

فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

شماره چهارم - زمستان ۱۳۸۸

صص ۲۱۲ - ۱۹۵

بررسی اهداف و آثار حضور ناتو در خاورمیانه: با تأکید بر امنیت جمهوری اسلامی ایران

مرتضی شجاع^۱

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۱۳

تاریخ تصویب: ۸۸/۱۲/۷

چکیده

حضور قدرتهای فرامنطقه‌ای در خاورمیانه و آثار آن بر کیفیت نظم امنیتی منطقه یکی از مهمترین امور مورد علاقه پژوهشگران این منطقه بوده است. پس از جنگ جهانی دوم تاکنون آمریکا یکی از مهمترین بازیگران مداخله‌گر در منطقه بوده و نقش تعیین‌کننده‌ای در ساختار امنیتی آن داشته است. اخیراً واشنگتن نسبت به توسعه قلمرو ناتو در خاورمیانه از طریق پذیرش اعضای همکار و شریک اقدام نمود. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که این رفتار راهبردی در چارچوب اهداف امنیتی ایالات متحده همچون افزایش دامنه نفوذ و سلطه در منطقه، شکل‌دهی نظم امنیتی دلخواه در منطقه، مقابله و مهار قدرت رو به رشد ایران، کمک به عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل از طریق عضویت آنها در ناتو، تسریع روند اصلاحات در خاورمیانه، مقابله با تروریسم بنیادگرای اسلامی، امنیت ذخایر انرژی و خطوط انتقال آن، تأمین امنیت دولتهای

۱. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان، مدرس دانشگاه و پژوهشگر امنیت در خاورمیانه.

عرب غربگرا و ... صورت پذیرفت. این اقدام که از سوی اعراب و اسرائیل نیز مورد استقبال قرار گرفته است، در چشم‌انداز امنیت در خاورمیانه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و ناتو را به یکی از مهمترین بازیگران منطقه تبدیل خواهد کرد. اگرچه ناتو مقابله با تهدیدات بین‌المللی را سرلوحه کار خود قرار داده و از این نظر حضور ناتو در خاورمیانه در مهار تهدیدها آثار مثبتی دارد، اما با توجه به اینکه ناتو سازمانی غربگرا و در خدمت منافع امنیتی غرب است، می‌توان مدعی شد که حضور ناتو در خاورمیانه بر منافع امنیتی ایران آثار منفی خواهد داشت.

واژه‌های اساسی: آمریکا، نظم امنیتی منطقه‌ای، ناتو، ابتکار همکاری‌های استانبول، امنیت انرژی.

مقدمه

تحولات عمیق سالهای آغازین هزاره جدید میلادی در خاورمیانه این سؤال را در اذهان به وجود آورد که ایالات متحده آمریکا به‌عنوان قدرت مسلط نظام بین‌الملل و مهمترین بازیگر مداخله‌گر در امور خاورمیانه به چه شکلی در امنیت‌سازی منطقه ایفای نقش خواهد داشت؟ همزمان در سالهای اخیر سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با خواست و اراده واشنگتن وارد خاورمیانه شده است. آنچه در چشم‌انداز خاورمیانه مسلم به نظر می‌رسد، نقش این سازمان در روند امنیت‌سازی منطقه‌ای است.

خاورمیانه بنا به دلایل متعددی برای آمریکا اهمیت دارد و لذا این منطقه در سالهای اخیر بیشترین توان و انرژی دستگاه نظامی و دیپلماسی آن کشور را به خود معطوف ساخته است. آنچه در این میان اهمیت دارد، کیفیت نظم و امنیت منطقه است. بر این اساس واشنگتن تلاش خواهد کرد تا نظام امنیت منطقه‌ای به گونه‌ای شکل بگیرد که بیشترین اهداف مورد نظر حاصل آید. راهبرد واشنگتن برای شکل‌دهی به امنیت خاورمیانه ورود ناتو به منطقه و پذیرش کشورهای خاورمیانه‌ای در این سازمان است. اگرچه روابط دوجانبه امنیتی آمریکا با کشورهای خاورمیانه فرصتهایی را در اختیار آن قرار داده است، اما مزیت توسعه ناتو به خاورمیانه در این است که سلطه واشنگتن بر منطقه را تثبیت می‌کند.

این پژوهش در نظر دارد تا نقش ناتو را در چشم‌انداز امنیت در خاورمیانه بررسی کند، لذا ابتدا به‌طور اجمالی کیفیت نظام امنیتی که تاکنون واشنگتن در منطقه شکل داده است، همچنین اهداف آمریکا از ورود ناتو به منطقه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه به زمینه‌هایی که موجب گسترش ناتو به خاورمیانه شده اشاره خواهد گردید و در نهایت نقش آن در چشم‌انداز امنیت منطقه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. آمریکا و نظام امنیتی در خاورمیانه

خاورمیانه جدید که بر روی بخش بزرگی از پیکره عثمانی بنا شده اگرچه بیشترین واکنش‌ها را در برابر غرب بروز داده، اما بیش از هر منطقه دیگری حضور قدرتهای فرامنطقه‌ای را مطالبه نموده است. آنچه از تاریخ خاورمیانه بر می‌آید این است که قدرتهای فرامنطقه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای در امور سیاسی و امنیتی منطقه داشته‌اند. تا جایی که حتی ظهور نظام دولت-ملت نیز در منطقه براساس خواست و اراده قدرتهای خارجی به‌خصوص بریتانیا بوده است.

تا دهه هفتاد قرن گذشته بریتانیا قدرت مسلط در خاورمیانه بود. بعد از خروج بریتانیا از شرق سوئز در دهه هفتاد و جایگزینی آمریکا به جای آن، واشنگتن نقش بسزایی در کیفیت سیاسی و امنیتی این منطقه ایفا کرد. در آن مقطع با توجه به جنگ سرد، واشنگتن در منطقه بیش از هر چیز متوجه ایجاد مانع در برابر رشد و نفوذ کمونیسم و قدرت مسکو بود. تحت اراده و ترغیب ایالات متحده بود که پیمان سنتو برای مقابله با شوروی شکل گرفت؛ اگرچه آمریکا خود جزء این پیمان نبود. در خلیج فارس نیز واشنگتن راهبرد دو ستونی را طراحی و اجرا کرد تا براساس آن ایران و عربستان سعودی از منافع واشنگتن حفاظت نمایند. در آن زمان امنیت منابع انرژی و حفاظت از اسرائیل - بدون ایجاد زمینه برای گرایش اعراب به سوی شوروی - مهمترین نگرانی واشنگتن بود. اما با ظهور انقلاب اسلامی نظام امنیتی مورد نظر واشنگتن فرو ریختند و لذا رویکرد آمریکا به نظم منطقه نیز تغییر کرد.

بعد از ظهور انقلاب اسلامی در ایران واشنگتن تلاش کرد تا با ایجاد اتحاد امنیتی میان اعراب حاشیه جنوبی خلیج فارس به مقابله با ایران اسلام‌گرا (به تعبیری بنیادگرا) و عراق بعثی متمایل به شوروی برخیزد. بر این اساس شورای همکاری خلیج

فارس شکل گرفت، این در حالی بود که به نظر می‌رسد کشورهای حاشیه جنوبی شرایط لازم برای ورود به چنین اتحادی را نداشتند. تا جایی که سابقه نظام سیاسی برخی از کشورهای عضو به تقریباً ده سال می‌رسید و زمینه‌های نزاع و تخاصم میان آنها (مثل اختلافات ارضی و مرزی) وجود داشت.

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز با ترغیب و حمایت آمریکا شروع شد و هشت سال ادامه یافت تا انرژی و توان ملی دو کشور متخاصم تلف گردد. در این زمان واشنگتن آرام آرام وارد منطقه شد، اما با فروپاشی شوروی و در همان زمان حمله صدام به کویت و اشغال آن کشور، واشنگتن فرصتی یافت تا در منطقه حضور فعال‌تری داشته باشد. ماحصل آن تحولات حضور گسترده نیروهای آمریکایی در منطقه بود. این نیروها در پایگاههای نظامی مختلفی که کشورهای حاشیه جنوبی در اختیار وی قرار داده بودند جای گرفتند تا این کشور به‌طور مستقیم در امنیت منطقه درگیر گردد.

اما اشغال عراق به‌دست آمریکا و متحدان آن کشور (۲۰۰۳) را باید به مثابه نقطه‌عطفی در تحولات امنیتی منطقه و حتی نظام بین‌الملل به حساب آورد. پس از آن واشنگتن تلاش نمود تا با تحمیل یک‌سری از تغییرات در امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خاورمیانه بانی تحولات بنیادینی در منطقه شود که از دیدگاه آنها موجبات جابه‌جایی امنیتی در منطقه را فراهم می‌آورد؛ بدین معنا که فضای تخاصم و نزاع و رشد تروریسم را محدود می‌کرد. این تغییرات در قالب طرح خاورمیانه بزرگ عرضه شد. در پی تحولات سیاسی برآمده از آن طرح، گروههای اسلام‌گرای طرفدار ج.ا.ایران و مخالف با سیاستهای آمریکا در کشورهای نظیر عراق، بحرین و فلسطین به قدرت سیاسی دست یافتند. حتی اخوان‌المسلمین در مصر نیز می‌توانست از فضای جدیدی که ایجاد شده برای کسب قدرت سیاسی بهره گیرد که واشنگتن مانع گردید. بدین‌سان محیط امنیتی خاورمیانه به ضرر واشنگتن تغییر کرد. این تغییرات نشان داد که اگرچه بیشتر دولتهای خاورمیانه از حضور آمریکا در منطقه استقبال می‌کنند، اما ملتهای منطقه به‌طور عمده به آمریکا گرایش ندارند. به‌طور مثال نتیجه یک نظرسنجی که به‌صورت مستقیم و چهره به چهره از ۳۸۵۰ نفر از کشورهای مصر، اردن، لبنان، مراکش، عربستان سعودی و امارات متحده عربی انجام شد، نشان داد علی‌رغم اینکه واشنگتن و تل‌آویو

در معرفی ج.ا.ایران به عنوان تهدیدی علیه دولتهای عرب به موفقیت‌هایی دست یافتند، اما در میان ملت‌های عرب اوضاع به گونه دیگری است. ۸۰ درصد اعراب، آمریکا و اسرائیل را دو تهدید بزرگ خارجی برای امنیت خود به حساب می‌آورند. در اردن ۹۰ درصد، در مراکش ۸۶ درصد و در عربستان سعودی ۸۲ درصد مردم نظر نامطلوبی در مورد آمریکا داشتند (Finds & lob, 2007).

منافع آمریکا در خاورمیانه کنونی با تهدیدهایی روبه‌رو است. از سوی ج.ا.ایران علناً سیاست‌های واشنگتن را به چالش می‌کشد و خواهان خروج آمریکا از منطقه است و همچنین محاصره اسرائیل را مدیریت می‌کند، به طوری که از طریق سوریه، حزب‌الله لبنان و حماس و جهاد اسلامی فلسطین، اسرائیل را در تنگنای استراتژیک قرار داده است، از سوی دیگر منطقه خاورمیانه یکی از مهمترین مناطقی است که تروریسم بنیادگرای اسلامی علیه غرب در آنجا برمی‌خیزد. به خصوص که بیشتر مردم مسلمان منطقه تمایلی به آمریکا ندارند. در چنین فضایی واشنگتن تلاش داشته تا با ورود ناتو به خاورمیانه اهداف مورد نظر خود را پیگیری کند. در واقع امر ورود این سازمان به منطقه آمریکا را در موقعیتی قرار می‌دهد که بیشترین اهداف را با کمترین هزینه محقق نماید. ناتو به یکی از مهمترین محورهای ژئوپلیتیک در منطقه بدل خواهد گردید.

۲. اهداف آمریکا از وارد ساختن ناتو در نظم منطقه خاورمیانه

آمریکا از ورود ناتو به خاورمیانه اهداف متعددی را پیگیری می‌کند که به نظر می‌رسد مهمترین آنها تثبیت برتری در منطقه است. اگرچه ساختار تصمیم‌گیری در ناتو مبتنی بر اجماع آرا است و بدین نظر هر کشوری توانایی وتوی تصمیمات را دارد، اما ناتو یک سازمان الی‌تستی است و ایالات متحده در آن نقش شریک بزرگتر را دارد. بسیاری از ابتکارات از سوی واشنگتن ارائه شده و سهم عمده‌ای از نیروها و ادوات سازمان را آمریکا تأمین می‌کند. ایالات متحده با طرح و مدیریت ایده گسترش ناتو به شرق در واقع دامنه قدرت و نفوذ بین‌المللی خود را افزایش می‌دهد. به باور بسیاری از پژوهشگران امور بین‌المللی ناتو به تثبیت برتری آمریکا و پاگیری تسلط آن کشور نقش درخور توجهی خواهد داشت.

هدف دیگر واشنگتن از گسترش ناتو به خاورمیانه حفاظت از منابع انرژی منطقه و خطوط انتقال آن است. با وجود اینکه واشنگتن از سالهای گذشته تاکنون راهبرد تنوع‌بخشی به منابع تأمین انرژی را در دستور کار خود قرار داده، اما پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که آمریکا (و دیگر مصرف‌کنندگان عمده منابع انرژی) به نفت و گاز خاورمیانه به‌طور عام و خلیج فارس به‌طور خاص وابستگی بیشتری خواهند داشت. براساس گزارش گروه تحقیقاتی مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در واشنگتن، نیاز اعضای ناتو به منابع انرژی خاورمیانه به‌خصوص خلیج فارس از ۵۰ درصد کنونی به ۸۰ درصد در سال ۲۰۳۵ خواهد رسید (Varwick, 2008). اگرچه ایالات متحده آمریکا برای افزایش امنیت انرژی به منابع نفتی در خزر و خلیج گینه روی آورد، اما هیچ‌یک از مناطق یاد شده از نظر ذخایر با خاورمیانه قابل مقایسه نیست و توان آنها برای صادرات نفت محدود است. علاوه بر آن خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای عمان، دریای عرب، دریای سرخ و کانال سوئز از مهمترین آبراههای انتقال منابع نفتی است. محافظت از این آبراهها از اولویت‌های واشنگتن است. به‌خصوص که نفت‌کش‌ها ممکن است مورد حمله تروریستی قرار گیرند (Varwick, ibid; Bauer & Hanlet, 2008).

مقابله با بحران‌های امنیتی بین‌دولتی در خاورمیانه نیز برای آمریکا اهمیت زیادی دارد، زیرا توسعه و گسترش چنین چالش‌هایی - همان‌طور که در طی جنگ عراق علیه ایران رخ داد - به احتمال قریب به یقین به امنیت منابع نفتی و خطوط انتقال آن آسیب می‌رساند. این در حالی است که بسترهای مختلفی از نزاع و بی‌ثباتی در منطقه وجود دارد. اختلافات ارضی و مرزی، تفاوت‌های ایدئولوژیک و نظام‌های ارزشی و نیز خریدهای تسلیحاتی گراف، منطقه خاورمیانه را به یک انبار باروت و یکی از مهمترین کانون‌های نزاع در نظام بین‌الملل کنونی بدل ساخته است (در مورد خریدهای تسلیحاتی کشورهای خاورمیانه ن.ک: زینالی آق قلع، ۱۳۸۷: ۶). ورود ناتو به خاورمیانه به کشورهای خاورمیانه‌ای عضو سازمان کمک می‌کند تا نخست اختلافات خود را در چارچوب آن حل و فصل کنند و سپس با تهدیدات کشورهای غیرعضو مقابله نمایند. بر این اساس ناتو به واشنگتن کمک خواهد کرد تا ضریب امنیتی کشورهای دوست را افزایش دهد و بی‌ثباتی و ناامنی را در منطقه حساس خاورمیانه مهار کند.

از دیگر اهداف آمریکا از ورود ناتو به منطقه مقابله با مخالفان سیاستهای خود در منطقه است. از این نظر ایران، متحدان منطقه‌ای آن و سازمانهای تروریستی مدنظر قرار دارند. با اشغال افغانستان و کنار زدن طالبان از قدرت (۲۰۰۱) و اشغال عراق و سرنگونی صدام (۲۰۰۳) به دست آمریکا، ج.ا.ایران از دو دشمن استراتژیک و ایدئولوژیک خود خلاص شد. به علاوه پیروزی دوستان، متحدان و گروههای همفکر در انتخابات دموکراتیک در بحرین، عراق و فلسطین که به دست آمریکا در چارچوب طرح خاورمیانه بزرگ انجام شد، قدرت را به دست گرفتند و بدین سان تهران جایگاه منطقه‌ای خود را ارتقا داده تا جایی که به قدرت اول منطقه‌ای بدل گشته است. ناتوانی اسرائیل در کنار زدن حزب‌الله در جنگ سی و سه روزه سال ۲۰۰۶ و حماس در جنگ بیست و دو روزه ۲۰۰۸ به نوعی تثبیت قدرت و موقعیت منطقه‌ای ایران بوده است (برای مطالعه بیشتر: شجاع، ۱۳۸۶: ۹ تا ۳۳). این مورد برای آمریکا خوشایند نخواهد بود، زیرا ایران بیش از هر کشور دیگری در نظام بین‌الملل آمریکا را به چالش می‌کشد و خواهان تغییر در کیفیت توزیع قدرت و حتی ارزش‌های حاکم بر نظام بین‌الملل است. واشنگتن با ایجاد ترس از تهران در میان دولتهای عرب تلاش دارد، ناتو را وارد منطقه نماید تا از این نظر قدرت منطقه‌ای ایران را مهار و محدود نماید. البته دولتهای عرب نیز از ایران هراس دارند و لذا از ورود ناتو به خاورمیانه حمایت خواهند کرد، زیرا ناتو نه تنها امکانات مناسبی برای مقابله با تهدیدات ایران فراهم خواهد کرد، بلکه آنها را از انفعال خارج کرده و موضع آنها را نسبت به تهران تهاجمی خواهد ساخت. به همین دلیل است که کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از ناتو خواستند تا وارد منطقه خلیج فارس شود (کریمی، ۱۳۸۴: ۷). اسرائیل نیز به ناتو به‌عنوان ابزاری که می‌تواند موقعیت امنیتی آن را ارتقا دهد می‌نگرد و لذا در سالهای اخیر همکاری‌های خود را با این سازمان شروع کرده و با سرعت چشمگیری گسترش داده است (امینی، ۱۳۸۷: ۱۸-۹). علاوه بر ایران، خاورمیانه به‌عنوان بستر تروریسم اسلامی مورد توجه واشنگتن است. تقریباً در سال ۱۹۹۷ پنتاگون نبرد نامتقارن تروریستی را مفهوم‌سازی کرده و تروریسم را به‌عنوان گونه نبرد نامتقارن و مهمترین چالش امنیتی پیش روی آمریکا

معرفی نموده است. حوادث تروریستی یازده سپتامبر آمریکا و انفجارهای تروریستی لندن و مادرید در سال ۲۰۰۴ بیش از هر زمانی اذهان غرب را متوجه تهدیدهای نوین و ساز و کارهای مقابله با آن نموده است. ناتو نیز در طی همان سالها دکترین دفاعی خود را تغییر داده و چالش پیش روی اعضا را از کمونیزم به تروریسم منتقل نموده است. ورود ناتو به خاورمیانه تلاش‌های آمریکا و اروپا را برای مقابله با بحران‌های امنیتی نوین هماهنگ خواهد ساخت (کریمی، ۱۳۸۶: ۶ تا ۳۵ و Polentz, 2005).

پیگیری اصلاحات در خاورمیانه از دیگر اهداف واشنگتن از ورود ناتو به منطقه خاورمیانه است. به منظور مقابله با تهدیدهای تروریستی، واشنگتن طرحهایی از قبیل طرح خاورمیانه بزرگ ارائه نموده و عملیاتی کرده است. بعد از اشغال عراق، واشنگتن در صدد برآمد تا ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه را متناسب با منافع خود تغییر دهد و بر این اساس مجموعه‌ای از برنامه‌ها را در قالب طرح خاورمیانه بزرگ^۱ به آنها تحمیل کرد. این طرح سه اولویت دارد: گسترش دموکراسی و حکومت خوب، ساخت جامعه فرهیخته و توسعه فرصت‌های اقتصادی. البته پژوهش در نظر ندارد این طرح را بررسی کند (برای مطالعه بیشتر: Al-Hayat, 2004)، اما آنچه مسلم است اینکه واشنگتن در چارچوب جنگ با تروریسم در صدد است تا فضای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خاورمیانه را متناسب با ضروریات امنیتی خود تغییر دهد و این مهم را در قالب طرح خاورمیانه بزرگ به پیش می‌برد. ناتو در این زمینه می‌تواند کاملاً مؤثر باشد، زیرا که عضویت کشورهای خاورمیانه‌ای در ناتو نیازمند انجام اصلاحاتی است که با اصلاحات مورد نظر واشنگتن در قالب طرح خاورمیانه بزرگ هماهنگ است؛ مثلاً کاندیداهای عضویت در ناتو باید نظام سیاسی دموکراتیک داشته باشند.

به علاوه مزیت دیگر بهره‌گیری از ناتو در زمینه پیشبرد اصلاحات در منطقه به جلوگیری از تخریب بیشتر چهره آمریکا باز می‌گردد. به این معنا که بسیاری از ملت‌های مسلمان و حتی دولتهای منطقه با الگوهای تحمیلی واشنگتن در قالب طرح خاورمیانه بزرگ موافق نیستند و خواهان درون‌زا شدن روند تغییرات هستند. این مورد موجب

1. Great Middle East Plan

رنجش دولتها و ملتهای عرب از واشنگتن شده است. اما واشنگتن می‌تواند در چارچوب ناتو اهداف مورد نظر خود را در ایجاد تغییرات بنیادی در خاورمیانه بدون هزینه بیشتر به پیش ببرد و از حیثیت و جایگاه بین‌المللی خود نزد دوستان عرب و ملتهای منطقه و حتی جهان دفاع کند.

در چارچوب حصول به این اهداف امنیتی بوده که واشنگتن در اجلاس‌ها و نشست‌های ناتو زمینه ورود ناتو به خاورمیانه را فراهم آورده است. در واقع جای پای اولیه ورود ناتو به خاورمیانه را در تحولات اوایل دهه نود در اروپا باید یافت.

۳. زمینه‌های ورود ناتو به خاورمیانه

دهه نود قرن گذشته دهه هویت‌یابی و رنسانس ناتو بود. ناتو در اوایل دهه ۹۰ قرن گذشته دچار بحران هویت شده بود، به این معنا که این سازمان که برای مقابله با تهدیدهای بلوک کمونیستی به وجود آمده بود با فروپاشی شوروی دیگر دلیلی برای موجودیت خود نمی‌یافت، اما با حوادث قومی بالکان و ناتوانی اروپا در مهار آن توانست برای خود توجیهی هویتی پیدا کند. علاوه بر آن برای گسترش جغرافیای سازمان در اجلاس واشنگتن در سال ۱۹۹۹ تصمیمات مهمی گرفته شد، جایی که اعضا تعریف جدیدی از وظایف ارائه کردند (مقابله با تهدیدهای چند بعدی و غیرقابل پیش‌بینی مثل تروریسم، افراط‌گرایی و مقابله با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی) و سازوکارها و ابزارهای متناسبی را برای تأمین امنیت اعضا معرفی کردند. براساس مصوبات آن نشست، سیاست درهای باز مطرح شد که به موجب آن سایر کشورها نیز می‌توانستند به عضویت سازمان درآیند. شورای آتلانتیک شمالی نیز برای بررسی عضویت داوطلبان تأسیس شد. در چنین بستری بود که کشورهای جمهوری چک، مجارستان و لهستان در همان سال (ن.ک: Abenheim, 2003) و استونی، لیتوانی، لتونی، رومانی، بلغارستان، اسلواکی و اسلونی در سال ۲۰۰۴ به عضویت ناتو درآمدند. در آوریل سال جاری میلادی نیز با پیوستن آلبانی و کرواسی اعضای سازمان به ۲۸ کشور رسید. کشورهای دیگری نیز در حال پیوستن به سازمان هستند که از جمله آنها گرجستان، اوکراین و حتی اسرائیل را باید نام برد.

مطمئناً حوادث تروریستی یازده سپتامبر آمریکا و انفجارها در متروی لندن و مادرید اسپانیا نقش مهمی در ظهور اراده لازم برای گسترش ناتو به خاورمیانه داشته است. در پی انفجارهای یازده سپتامبر بود که اعضای ناتو با استناد به ماده ۵ اساسنامه، حمله به آمریکا را حمله به خود تلقی کردند و تمایل خود را برای برخورد با عاملان حمله اعلام کردند (تقفی عامری: ۱۳۸۶: ۶۴). پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد ناتو تهدیدات را بر ضد اعضای خود از کمونیزم به تروریسم، رادیکالیسم اسلامی و اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی تغییر داده است که هر سه مورد در خاورمیانه مصادیقی دارد. پولتنز از کارشناسان امنیتی ناتو معتقد است «امنیت ناپایدار در منطقه [خاورمیانه] وقتی برجسته می‌شود که در نظر بگیریم که تهدیدات امنیتی جهانی نوین به دست گروه‌های تروریستی در حال فعالیت و گسترش و انتشار سلاح‌های کشتار جمعی است» (Polentz, 2005).

از دیگر زمینه‌هایی که برای گسترش جغرافیای ناتو به خاورمیانه مطرح است حمله آمریکا و متحدانش به عراق بود. با نگاهی به ائتلاف تحت امر آمریکا در حمله به عراق می‌توان دریافت که شانزده عضو ناتو در این مورد با واشنگتن مشارکت نمودند. اگرچه حضور برخی از آنها قابل ملاحظه نبود، اما مطمئناً در آماده‌سازی سیاستمداران و افکار عمومی مردم آنها برای ورود کشورشان به خاورمیانه و خلیج فارس نقش قابل ملاحظه‌ای داشته است.

تصمیمات نهایی برای ورود ناتو به خاورمیانه در اجلاس استانبول (۲۰۰۴) و ریگا (۲۰۰۶) گرفته شد. در اجلاس استانبول طرحی مورد توافق قرار گرفت که به «ابتکار همکاری‌های استانبول»^۱ موسوم است. به موجب آن گزینه‌های گسترده‌ای برای آموزش، تشریک مساعی در موضوعات متنوعی از مقابله با تروریسم تا شفافیت بیشتر در بودجه و تصمیم‌گیری در امور دفاعی مورد توافق قرار گرفت (Laipson, 2006). این طرح همکاری با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را پیشنهاد داده است. کویت، بحرین، قطر و امارات متحده عربی به ابتکار مزبور پیوستند و عربستان و عمان نیز آن را مورد بررسی قرار دادند.

1. Istanbul Cooperation Initiative

رؤوس توافقات ابتکار استامبول شامل سرنگونی گروههای تروریستی بین‌المللی، کمک به مقابله با توسعه سلاح‌های کشتار جمعی و انتقال غیرقانونی سلاح و در نهایت مشارکت در عملیات صلح ناتو است. مشابه آنچه که ناتو به کشورهای شریک در گفت‌وگوهای مدیترانه ارائه کرده، ابتکار استامبول توصیه‌های متناسبی را برای اصلاحات، بودجه و طرحهای دفاعی و ... برای ایجاد تمایل در کشورهای حوزه خاورمیانه و خلیج فارس تسهیل نموده است. از دیگر مواردی که در دستور کار قرار دارد می‌توان به آموزش نظامی، تبادل اطلاعات، برگزاری مانورهای مشترک، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و همکاری در زمینه جرایم بین‌المللی اشاره کرد (دهقانی، ۱۳۸۸ و Polentz, 2005).

در واقع این طرح زمینه ورود ناتو را به خاورمیانه فراهم آورد. موافقت با عضویت ناظر کشورهای خاورمیانه مثل اعضای شورای همکاری خلیج فارس، عراق، اردن و اسرائیل در اجلاس استانبول حاصل شد که خود این عمل به منزله قدم اول در پیوستن به ناتو است. البته ورود کشورهای حوزه خاورمیانه به سازمان ناتو منوط به داشتن معیارهای عضویت شد (Legrenzi, 2007: 8). برای نظارت بر فرایند تغییرات در ساختار دفاعی^۱ کشورهای خاورمیانه‌ای داوطلب عضویت در ناتو، در اجلاس استانبول و ریگا مقرر شد دفاتری به نام «دفاتر نمایندگی منطقه‌ای» در کشورهای داوطلب تأسیس گردد. در واقع کار این دفاتر تسهیل تغییرات در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و به‌خصوص نظامی کشورهای داوطلب و نظارت بر اجرای صحیح آن است. ظاهراً بخش روابط عمومی این دفاتر که اصطلاحاً به آن «دیده‌بان آگاهی» هم می‌گویند به‌عنوان یکی از بخش‌های این دفاتر اخیراً در بحرین و قطر تأسیس گردید (هادیان، ۱۳۸۶: ۸ تا ۱۱۵).

در مورد درگیر شدن ناتو در خلیج فارس حمله آمریکا به عراق نقطه عطفی به حساب می‌آید. در آن حمله کشورهای زیادی از ناتو شرکت داشتند. اعضای ناتو همچنین با کشورهای عرب همسایه عراق همکاری‌های امنیتی در نظر گرفتند تا با واکنش‌های عراق بعضی در طی حمله مقابله کنند. همکاری بخش شیمیایی، میکروبی و

۱. چون داوطلبان باید ساختار و ادوات دفاعی خود را با ساختار و ادوات دفاعی سازمان هماهنگ نمایند.

هسته‌ای ناتو در دریای عرب در قالب «ابتکار گسترش امنیت» و همکاری نیروهای شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای آلمان با کویت در طی حمله آمریکا و متحدانش به عراق در سال ۲۰۰۳ که چندین نفر از جمهوری چک نیز در آن نیروها حضور داشتند از جمله همکاری‌های امنیتی است که می‌توان از آنها یاد کرد (Polentz, 2005).

ناتو در عراق پس از صدام نیز مسئولیت‌هایی را پذیرفته است. اگرچه تقاضای آمریکا برای حضور نظامی ناتو با هدف برقراری امنیت در عراق با مخالفت آلمان و فرانسه روبه‌رو شد، اما ناتو نقش فعالی را برای تربیت کادر امنیتی این کشور در داخل و خارج از آن پذیرفته است (Talbot, 2003: 1-6). به‌طور مثال نیروهای آلمانی در قالب ناتو پلیس عراق را در امارات متحده عربی آموزش می‌دهند. هفتاد مربی نظامی دیگر از سوی ناتو برای تربیت کادر امنیتی عراق از کشورهای ایتالیا، مجارستان، نروژ و کانادا به اردن و کویت فرستاده شدند. ناتو همچنین در نظر داشته تا ۲۵۰ مربی دیگر را به عراق بفرستد (NATO, 2007). اعلام آمادگی برای ارائه کمک‌های مالی و تسلیحاتی به این کشور و دیدارهای متقابل وزیر خارجه عراق از مقر ناتو و سفر دبیر کل ناتو به این کشور از دیگر موارد شاخص همکاری‌های ناتو و دولت جدید عراق است (کریمی، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

به موجب ابتکار همکاری‌های استانبول، مقامات ناتو سفرهای متعددی به منطقه داشته‌اند که از جمله مهم‌ترین آنها سفر یاپ دھوپ شفر به امارات متحده عربی و سخنرانی وی در مرکز مطالعات استراتژیک در دبی در سال ۲۰۰۸ بوده است. در سپتامبر ۲۰۰۷ نیز گزارشگر مجمع پارلمانی ناتو با تهیه گزارشی تحت عنوان «ناتو و امنیت خلیج فارس» پیشنهاد کرد ماده‌ای به ابتکار صلح استانبول اضافه شود که به موجب آن کشورهای عضو این برنامه همانند اعضای ابتکار مشارکت برای صلح (PEP) بتوانند در صورت هرگونه احساس تهدید امنیتی با ناتو مشورت کنند (کریمی، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

در بهمن ۱۳۸۵ نشست مشترک ناتو و شورای همکاری خلیج فارس در ریاض برگزار شد (کریمی، ۱۳۸۶: ۳۶). البته عربستان ظاهراً هنوز به ابتکار همکاری‌های استانبول نپیوسته است، لذا از سوی ناتو تلاش‌هایی برای پیوستن ریاض به این ابتکار انجام شد. در ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۷ در طی دیدار الساندر و مینوتوریسو، معاون دبیر کل ناتو، از ریاض به صراحت اعلام داشت که «ناتو برای عربستان ارزش و وزن منطقه‌ای قایل

است». وی از ریاض خواست تا وضعیت عضویت ناظر را برای پیوستن به این سازمان بررسی کند (هادیان، ۱۳۸۶: ۱۲۳). همین‌طور در آوریل سال ۲۰۰۴ نیز نشست مشترک ناتو و شورای همکاری خلیج فارس در دوحه برگزار شد تا نقش ناتو را در امنیت خلیج فارس بررسی کند. در این نشست در زمینه تبادل اطلاعات و ارائه آموزش‌های نظامی و عملیات ضد تروریستی توافقی‌هایی حاصل شد. این نشست را مرکز پژوهش‌های استراتژیک وابسته به نیروهای مسلح قطر با همکاری دستگاه دیپلماسی (وزارت خارجه) آن کشور برگزار کرد (کارگزاران، ۱۳۸۶ و دهقانی، ۱۳۸۸).

ناتو در سال ۱۳۸۳ در بغداد یک مدرسه نظامی تأسیس کرد. در سال ۱۳۸۴ نیز حدود هزار نفر از افسران عالی‌رتبه و میان‌رتبه عراقی را آموزش داد. همین‌طور ناتو برای آموزش نیروهای مسلح کشورهای منطقه قصد دارد تا یک دانشکده نظامی در منطقه تأسیس کند. ظاهراً اردن برای میزبانی از این دانشکده اعلام آمادگی کرده است. کشورهای خاورمیانه که با ناتو همکاری دارند (کویت، قطر، بحرین و امارات متحده عربی) می‌توانند از امکانات این دانشکده استفاده کنند. همچنین دیگر کشورهای همکار ناتو در آفریقای شمالی نیز می‌توانند از امکانات آن دانشکده بهره‌گیرند (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸).

در سالهای اخیر روابط ناتو و اسرائیل گسترش چشمگیری داشته است. این کشور با توجه به برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیک خاصی که از آن برخوردار است مورد توجه ناتو است.^۱ اسرائیل از اعضای گفت‌وگوهای مدیترانه است و همین‌طور روابط نزدیک و تنگاتنگی با بیشتر اعضای مهم ناتو دارد. در سال ۲۰۰۱، تل‌آویو پیمان رفع موانع امنیتی را با ناتو امضا کرد که به موجب آن اجازه می‌یافت تا در برنامه‌های دفاعی ناتو مشارکت کند. همین‌طور قرارداد همکاری‌های امنیتی - اطلاعاتی نیز بین آنها در سال ۲۰۰۴ امضا شد (امینی، ۱۳۸۷: ۹ تا ۱۸).

در نوامبر ۲۰۰۴ مهمترین مذاکرات رسمی که برای نخستین بار بین اعضا [گفت‌وگوهای مدیترانه] و ناتو برگزار شد، در مورد محورهای مشترکی مانند مبارزه با

۱. اسرائیل در مرکز سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا قرار دارد.

تروریسم، منع تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی، همکاری در زمینه مبارزه با قاچاق اسلحه و خشونت و جرایم سازمان یافته در نقاط بحران‌زده مذاکرات و توافقاتی به دست آمد. اگرچه در این مذاکرات پنج کشور عربی شمال آفریقا (مصر، موریتانی، تونس، مراکش و الجزایر) حضور داشتند، اما رویکردهای مطرح شده بیشتر معطوف به اسرائیل بوده و برای تأمین حوزه نفوذ ناتو تنظیم شده بود. در واقع با این مذاکره گام‌های اولیه برای اتحاد راهبردی ناتو با اسرائیل برداشته شد (امینی، ۱۳۸۷: ۲۱).

نیروهای ناتو در لبنان هم حضور دارند. از سوی شورای امنیت سازمان ملل، نیروهایی برای حفظ صلح در لبنان که اصطلاحاً «یونیفیل» گفته می‌شود، اعزام شده‌اند. بخشی از نیروهای یونیفیل را نیروهای ناتو تشکیل داده‌اند که در واقع شامل بخش نیروی دریایی آنهاست که از طرف فرماندهی دریایی ناتو مستقر در ناپل ایتالیا به آنجا اعزام گردیدند. این واحدها از کشورهای فرانسه و آلمان تأمین شده‌اند. البته دولت لبنان از حضور ناتو در قالب یونیفیل حمایت می‌کند. تجهیز و مدرن‌سازی ارتش لبنان دقیقاً در راستای مأموریت امنیت‌سازی، ارتش‌سازی و بازسازی است که ناتو به‌عنوان یک دستور کار کلی در زمینه تأمین امنیت اعضا مورد نظر قرار داده است (هادیان، ۱۳۸۶).

۴. چشم‌انداز حضور ناتو در خاورمیانه

از بدو ورود آمریکا به خاورمیانه تاکنون امنیت منطقه‌ای در قالب الگوی رئالیستی موازنه قوا قابل بررسی است. اگرچه بوش پسر سعی کرد تا در قالب طرح خاورمیانه بزرگ زمینه‌های تغییرات گسترده سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد نظر را در منطقه فراهم آورد که بر اساس آن فضای امنیتی منطقه به سوی الگوی لیبرال و خوش‌بین که بر نظام سیاسی دموکراسی، وابستگی متقابل اقتصادی و سکولاریسم (زیرا فرض نومحافظه‌کاران این بوده که دموکراسی‌های بازار با هم نمی‌جنگند) سوق پیدا می‌کرده، اما در نهایت دولت وی نیز با فراخواندن اعراب به سوی عادی‌سازی روابط با اسرائیل و اتحاد برای مقابله با ایران و متحدان منطقه‌ای آن باز هم الگوی رئالیستی از امنیت را پیش کشید. در این میان واشنگتن تلاش دارد تا کشورهای خاورمیانه‌ای متحد خود را در ناتو گرد هم آورد.

ناتو بدون شک به آمریکا از چند جهت در منطقه خاورمیانه مساعدت خواهد کرد؛ نخست اینکه ناتو به تثبیت حضور و برتری آمریکا در منطقه کمک قابل ملاحظه‌ای خواهد کرد، زیرا در این سازمان آمریکا نقش شریک بزرگتر را دارد و لذا عضویت کشورهای مورد نظر خاورمیانه‌ای در این سازمان به منزله تثبیت و مشروعیت‌بخشی به حضور نظامی و مداخله در تمام شؤونات امنیتی کشورهای خاورمیانه است.

از دیگر آثار ناتو در خاورمیانه تغییر موازنه قوا در منطقه است. همان‌طور که قبلاً گفته شد ج.ا.ایران یکی از بازیگرانی بود که از تغییرات شگرف سالهای آغازین دهه اخیر در خاورمیانه بیشترین بهره را برد. رهایی از طالبان (۲۰۰۱) و بعثی‌ها (۲۰۰۳) با هزینه آمریکا، به قدرت رسیدن متحدان منطقه‌ای آن در کشورهای عراق، بحرین، فلسطین و تثبیت موقعیت متحدان آن کشور به واسطه ناتوانی اسرائیل در محو حزب‌الله و حماس از نقشه سیاسی، ایران را به یک بازیگر اجتناب‌ناپذیر در منطقه تبدیل نمود. به‌خصوص که تهران توانسته نفوذ قابل توجهی نزد ملت‌های عرب پیدا کند. چنین وضعیتی کیفیت موازنه قوا را در منطقه به ضرر آمریکا تغییر داده بود. ورود ناتو به منطقه به آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن یاری می‌رساند تا بار دیگر توان و قدرت خود را در برابر ایران و متحدان آن تجمیع نمایند. بر این اساس ورود ناتو به خاورمیانه کیفیت موازنه را به نفع آمریکا و متحدان آن تغییر خواهد داد.

پذیرش عضویت کشورهای خاورمیانه‌ای در ناتو در روابط آن کشورها با هم نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. ناتو دامنه تخصصات کشورهای خاورمیانه‌ای عضو را محدودتر خواهد کرد. این کشورها اختلافات خود را در قالب ناتو پیگیری و در نتیجه کنترل می‌کنند. از جمله مهمترین موردی که در این زمینه مطرح است روابط کشورهای عربی با اسرائیل است؛ این روابط تا دهه هفتاد کاملاً خصمانه بود و بعد از آن دامنه تخصص به آرامی فروکش نموده و همچنان ادامه دارد. مصر در زمان انورسادات با قرارداد کمپ دیوید (۱۹۷۳) جنگ با اسرائیل را کنار نهاد و اردن نیز در دهه ۸۰ قرارداد صلح با اسرائیل را امضا کرد. کشورهای عربی دیگری نیز موضع خود را با اسرائیل تغییر دادند، تا جایی که قطر عملاً روابط اقتصادی خود را با اسرائیل آغاز کرده بود. ترس مشترک از ایران در اوایل هزاره جدید باز هم طرفین را به هم نزدیکتر کرد، اما هنوز دورنمای روابط میان آنها روشن نیست. اوج آن در کنفرانس آنابولیس

بود. با این حال اسرائیل از آینده روابط خود با اعراب نگرانی‌های عمیقی دارد؛ به‌خصوص که اسرائیل در میان ملت‌های خاورمیانه منفور است. خاورمیانه در حال تمرین دموکراسی است، دموکراسی‌یی که به دشمنان اسرائیل فرصت می‌دهد تا به قدرت سیاسی دست یابند، همان‌طور که حماس دست یافت. در چنین فضایی ناتو به‌منظور تغییر موضع اعراب در مورد اسرائیل و خروج این کشور از تنگناهای مبتلا به نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا خواهد کرد.

۵. نتیجه‌گیری

چشم‌انداز خاورمیانه بر حضور ناتو و پذیرش عضویت کشورهای منطقه در آن سازمان حکایت دارد. در سال‌های اخیر با افزایش قدرت منطقه‌ای ایران، موازنه قوا در خاورمیانه به نفع تهران و متحدان منطقه‌ای آن تغییر کرده بود و آمریکا، اسرائیل و کشورهای عرب متحد آنها راه برون‌رفت از تهدیدات جدید را در ورود ناتو به خاورمیانه یافتند، لذا این حضور بر امنیت ایران بیشتر تهدیدکننده است تا امنیت‌ساز.

به‌طور کلی امنیت در خاورمیانه شکننده است و به واقع زمینه‌های متعددی از بحران و نزاع در منطقه وجود دارد. به واسطه درهم‌تنیدگی مسائل خاورمیانه این احتمال وجود دارد که بحران‌هایی که در گوشه‌ای از منطقه ظهور کرده کل منطقه و از جمله ایران را فرا گیرد. بر این اساس وجود هر سازمان امنیتی که روابط میان واحدهای سیاسی را تنظیم و با بحران‌های منطقه‌ای مقابله کند، به افزایش ضریب امنیت ملی ایران کمک خواهد کرد. اما ناتو به هر حال در چارچوب منافع امنیتی اعضا حرکت خواهد کرد.

روابط میان ایران از یک‌سو و آمریکا و اسرائیل از سوی دیگر خصمانه است. روابط ایران با اروپا نیز همواره در چالش و تنش بوده است، مضافاً روابط ایران با کشورهای عربی (صرف‌نظر از سوریه) توأم با همکاری و رقابت است. با توجه به چنین زمینه‌ای احتمال برخورد میان ایران با هر یک از طرف‌های نامبرده وجود دارد. از آنجا که ناتو در چارچوب امنیت و مقابله با تهدیدهای کشورهای عضو حرکت می‌کند، در صورت ظهور بحران در روابط ایران و هر یک از اعضای ناتو، این سازمان به محلی برای هماهنگی تلاش‌ها و اعمال فشار بر ایران بدل خواهد گردید. درخواست شفر از ایران

برای آزاد کردن ملوانان انگلیسی که بدون اجازه وارد آبهای ایران شده بودند و یا ابراز نگرانی وی از برنامه هسته‌ای ایران را می‌توان در چنین چارچوبی مورد ارزیابی قرار داد. پذیرش کشورهای همکار ناتو در آن سازمان آنها را زیر چتر اتمی سازمان قرار خواهد داد. اگرچه این مورد گرایش کشورهای عضو را به دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای محدود می‌کند، اما این خود به منزله این است که کشورهای عضو ناتو را باید هسته‌ای فرض نمود. کشورهای خاورمیانه‌ای با عضویت در ناتو به این مزیت قدرت دست می‌یابند. این مورد کفه قدرت منطقه‌ای را به نفع آنها تغییر خواهد داد. در طی تاریخ حیات اجتماعات بشری داشتن متحدان قوی یکی از کم‌هزینه‌ترین راههای افزایش سطح قدرت ملی بود و ناتو این مزیت را برای آنها فراهم خواهد آورد.

منابع

۱. امینی، آرمن. «تعاملات راهبردی- امنیتی اسرائیل و ناتو»، پژوهشنامه سازمانهای بین‌المللی، شماره ۴، ۱۳۸۷.
۲. خبرگزاری فارس، «ناتو در خاورمیانه دانشکده نظامی تأسیس می‌کند». ۱۳۸۸، در: www.farsnews.net/printable.php?nn=8503170075
۳. زینالی آق قلعه، فرزاد. «رقابت تسلیحاتی در منطقه خلیج فارس»، روزنامه جام جم، ۱۳۸۷/۱۰/۲۵.
۴. دهقانی، محمود. «راهبرد ناتو در خلیج فارس»، در: <http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtId=07&&d...> [۱۳۸۸/۲/۲۰]
۵. شجاع، مرتضی. «پویش قدرت در خاورمیانه در آغاز سده بیست و یکم»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره‌های ۲۳۶-۲۳۵، ۱۳۸۶، صص ۴۷-۳۲.
۶. ثقفی عامری، ناصر. ناتو جدید در معادلات بین‌الملل، ناتو و محیط امنیتی ایران، ۱۳۸۶، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۷. کارگزاران، «توافق امنیتی ناتو با شورای همکاری خلیج فارس»، روزنامه کارگزاران، ۱۳۸۶/۱۱/۱۰.
۸. کریمی، جعفر. «درخواست شورای همکاری خلیج فارس برای حضور ناتو در خلیج فارس»، روزنامه حیات نو اقتصادی، ۱۳۸۴/۱۰/۲۴.

۹. کریمی، هوشنگ. «ناتوی جهانی»، همشهری دیپلماتیک، نیمه اسفند ۱۳۸۶.
۱۰. هادیان، حمید. «ناتو در خاورمیانه»، ناتو و محیط امنیتی ج.ا.ایران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۶.

11. Abenheim, Donald, (2003). "Big Bang of NATO Enlargement: Gotterdammerung or Rebirth? *Strategic Insight*, Vol II, Issue 2.
12. Al-Hayat (2004) Greater Middle East Partnership Working Paper. At: www.meib.org/documentfile/040213.htm
13. Bauer, Michael. Hanelt, Christian-Peter (2008) Situation in the Gulf Region Involving Iran, Iraq and Saudi Arabia as Regional Powers. at: www.isn.ethz.ch/isn/Current-Affairs/Policy-Briefs/Detail/?lng=en&i...
14. Fids,Poll. lob,Jim(2007) Arab Less Worried About Iran. At: www.antiwar.com/lobe/articleid=10494.html.
15. Legrinzi,Matteo, spring 2007. NATO in Gulf, *Middle East Policy*, Vol XIV, No 1.
16. Laipson, Ellen, NATO new Mission in the Middle East, in Security Sector in the Gulf, *Joint Project*, Stimson Center & US Army.at: <http://www.stimson.org/pub.cfm?ID=247>
17. NATO,Education and Training NATO Led Operation. At: www.nato.int/issues/education_and_training/index.htm [30 7, 2007]
18. Polentz, Ruprecht, (2005). NATO and Persian Gulf Security, *European Journal of International Relations*, summer.
19. Talbot, Strobe, (2003). From Prague to Baghdad: NATO at Risk, *Foreign Affairs*, No V.
20. Varwick,Johannes, (2008). NATO's Role in Energy Security, at: http://www.johannes-varwick.de/wp-content/original_2_varwick.pdf